

درس چهاردهم - سوالی کردن جملات

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 11, 2016

سلام دوستان ؛ در این درس می‌خواهیم باهم به سوالی کردن جملات در زبان آلمانی بپردازیم

در واقع برای سوالی کردن جملات ما ۳ روش داریم که در این درس می‌خواهیم روش سوالی کردن و نحوه پاسخ دادن به هر کدام از آنها را بیاموزیم.

روش اول - آوردن فعل به ابتدای جمله

روش دوم - استفاده از واژه *oder*?

روش سوم - استفاده از واژگان پرسشی

روش اول - در این روش ما از هیچ واژه پرسشی استفاده نمی‌کنیم بلکه با آوردن فعل ابتدای جمله آنرا پرسشی می‌کنیم مانند مثال های زیر

Ich komme aus dem Iran من از ایران می‌آیم

Komme ich aus dem Iran? من از ایران میام؟

این شکل سوالی کردن همانند این است که در فارسی ، پرسیم ، ایرانی هستی ؟ یا مثلاً پرسیم ، شام میخوری ؟ فوتبال بازی می‌کنی ؟ درس میخونی ؟

این روش حدوداً شبیه به اینگونه سوال پرسیدن در فارسی است

Gebe ich dir das Buch? اون کتاب رو بهت بدم؟

Spielen Sie Fußball? فوتبال بازی می‌کنید؟

در این روش می‌بایستی ما با *ja* , *nein* , *doch* یعنی با بله یا نه و چرا تاکید در فارسی پاسخ بدیم. سوالی رو که از ما پرسیده میشه.

Kommen Sie aus dem Iran? شما از ایران می‌آید؟

Nein, ich komme aus Deutschland نه ، من اهل آلمان هستم.

Spielen Sie Fußball? Spielen Sie Fußball بازی می کنید ؟

Ja, ich spiele gern Fußball ، من با علاقه فوتبال بازی می کنم.

doch با اینگونه است که مثلاً در فارسی شما به من می گوئید تو نمی آیی ؟ بعد من میگم چرا میام.

استفاده از doch برای سوالی و منفی پرسیدن طرف از ماست که ما می خواهیم با این کلمه بگیم چرا کی گفته ، دقت کردید توی فارسی وقتی یکی نظری رو از ما می پرسه اما ما مخالف اون هستیم و می گیم چرا بابا این doch همین کاربرد رو در سوالی کردن داره البته یک کاربرد دیگه doch استفاده در وسط جمله است که نشانه تاکید ما روی اون کار یا اون فعل جمله است. Ich habe doch keine Zeit من واقعاً وقت ندارم.

Hast du keine Zeit? وقت نداری ؟

Doch, ich habe Zeit چرا ، وقت دارم

Liebt er dich nicht? اون تو رو دوست نداره ؟

Doch, er liebt mich چرا ، دوستم داره

کاربرد دیگه doch در وسط جمله : Wir haben doch keine Zeit ما اما وقت نداریم.

فرض کنید می خواهید به همراه خانواده به یک مهمانی بروید اما زمان ندارید. (این اما زمان ندارید) کاربردش در آلمانی می شود.

Wir haben doch keine Zeit

روش دوم برای سوالی کردن جملات استفاده از کلمه oder است. که برای سوالی کردن معنی (آیا) می دهد. برای استفاده از این روش تمام جمله را بدون هیچ تغییری می گوئیم و سپس در انتهای آن oder را می پرسیم.

Du kommst aus dem Iran, oder? آیا تو اهل ایران هستی ؟

Ja, ich komme aus dem Iran ، من اهل ایران هستم.

Nein, ich komme nicht aus dem Iran نه ، من اهل ایران نیستم.

Sie sprechen Deutsch, oder? آیا شما آلمانی صحبت می کنید ؟

Ja, ich spreche Deutsch. بله ، من آلمانی صحبت می کنم.

Nein, ich spreche kein Deutsch. نه ، من آلمانی صحبت نمی کنم.

روش سوم استفاده از واژگان پرسشی است که این واژگان در ابتدای جمله آمده و جمله ما را سوالی میکنند. در این روش دیگر نمی بایستی با بله ، نه ، چرا تأکیدی پاسخ بدهیم بلکه می بایستی به خاطر سوالی که از ما می پرسند ما توضیحی بدهیم.

در جدول زیر تمامی واژگان پرسشی به همراه یک مثال و ترجمه آمده اند.

| ترجمه پاسخ | پاسخ | ترجمه سوال | سوال | واژه پرسشی و ترجمه |
|----------------------------|-----------------------|--------------------------------------|----------------------------------|--|
| مرتضی | Morteza | چگونه نامیده می شوید؟ | Wie heißen Sie? | Wie چگونه؟ |
| در اشتوتگارت | In Stuttgart | کجا زندگی می کنید ؟ | Wo wohnen Sie? | Wo کجا ؟ |
| من آنجا تحصیل می کنم. | Ich studiere dort. | چه کاری در اشتوتگارت انجام می دهید ؟ | Was machen Sie in Stuttgart | Was چه ؟ چه چیزی را چیزی؟ چه چیزی را ؟ چی ؟ |
| مرتضی | Morteza | چه کسی هستید ؟ | Wer sind sie? | Wer چه کسی ؟ |
| فقط تو را | .Nur dich | چه کسی را الان دوست داری؟ | Wen liebst du gerade | Wen چه کسی را؟ |
| معلومه به من ، البته به من | .Natürlich mir | به چه کسی آن پول تعلق دارد؟ | Wem gehört das Geld hier | Wem به چه کسی؟ |
| آن ساعت مرتضی است. | Das ist Morteza's Uhr | مال چه کسی این ساعت است؟ | Wessen Uhr ist das? | Wessen مال چه کسی ؟ |
| من به خانه میروم. | Ich gehe nach Hause. | به کجا شما میروید ؟ | Wohin gehen Sie? | Wohin به کجا ؟ |
| از ایران | Aus dem Iran | از کجا می آید ؟ | Woher kommen Sie? | Woher از کجا ؟ |
| با همسرم. | .Mit meiner Frau | با چه کسی شما می رقصید؟ | Mit wem tanzen Sie? | Mit wem با چه کسی ؟ توسط کی ؟ |
| او برادرم است. | .Er ist mein Bruder | از روی چه چیز او را می شناسی ؟ | Woran erkennst du ihn | Woran به چه چیز ؟ از روی چه چیز ؟ |
| به اون امتحان | An die Prüfung | به چه چیز معمولاً فکر میکنی؟ | Woran denkst du oft? | |
| به روی مبل | Auf dem Sofa | تو روی چه چیز داری کشیده ای | Worauf liegst du? | Worauf رو چه چیزی |
| همین حالا | .Gleich | کی آن قطار می آید؟ | Wann kommt der Zug | Wann کی ؟ چه وقت ؟ چه زمانی ؟ |
| پنج روز | .Fünf Tage | چه مدتی تو آنجا می مانی ؟ | Wie lange bleibst du dort | Wie lange چه مدتی ؟ چه زمانی ؟ |
| برای دو هفته. | Für zwei Wochen | برای چه مدتی به سفر میروید ؟ | Für wie lange verreisen Sie | Für wie lange برای چه مدتی ؟ برای چه زمانی ؟ |
| هر روز رو | Jeden Tag | چند وقت یکبار به شنا میروی ؟ | Wie oft gehst du schwimmen | Wie oft چند وقت یکبار؟ کی به کی ؟ |
| از هفته ی آینده | Ab nächster Woche | از کی در تعطیلات هستید ؟ | Ab wann sind Sie in Urlaub | Ab wann از کی ؟ |
| به مدت ۷ سال. | .Seit sieben Jahren | از چه مدتی دیگر سیگار نمی کشید ؟ | Seit Wann rauchen Sie nicht mehr | Seit wann از چه مدتی ؟ |

| | | | |
|---------------------------------------|---|----------------------------|---|
| Bis wann haben Sie hier | تا کی شما اینجا هستید ؟ | Bis zum Morgen | تا فردا صبح |
| Von wann bis wann müssen Sie arbeiten | از کی تا کی باید شما کار کنید ؟ | .Von 7 bis 18 Uhr | از ساعت ۷ صبح تا ۶ بعدازظهر |
| Wie viel Uhr ist es jetzt | الان ساعت چنده ؟ | .Genau 9 Uhr | دقیقاً نه صبح |
| Um wie viel Uhr fängt der Film an | در چه ساعتی آن فیلم شروع می شود ؟ | .Um 20:00 Uhr | راس ساعت ۸ شب |
| Warum liebst du mich nicht | چرا مرا دوست نداری ؟ | Weil du kein Geld hast | چون پول نداری! |
| Wozu macht Maria sich hübsch | برای چی ماریا خودش رو خوشگل میکنه ؟ | Um den Männern zu gefallen | تا از مرد ها دلبری کند. تا مردها خوششان بیایید. |
| Weshalb machst du das | به چه دلیل اینکار را می کنی ؟ | Aus Neugier | از کنجکاوی از حس کنجکاوی |
| Wie weit ist es bis Köln | چقدر فاصله است تا شهر کلن ؟ | Ungefähr 25 km | تقریباً ۲۵ کیلومتر حدوداً ۲۵ کیلومتر |
| Wie alt ist das Baby jetzt | اکنون این کودک چند سال دارد ؟ چگونه پیر است ! | .Wochen 6 | ۶ هفته |
| Wieso ? | برای چه ؟ از چه رو ؟ | | |

اگر کسی از شما توسط واژگان پرسشی سوالی را پرسید چنانچه پاسخی نداشتید یا متوجه نشدید یا شاید اصلاً واقعا پاسخی برایش ندارید می توانید از روش های زیر استفاده کنید.

Wann hat er Zeit? کی اون زمان دارد ؟

Ich weiß nicht, wann er Zeit hat. نمیدونم کی اون زمان دارد.

نکته : اگر واژگان پرسشی در ابتدای جمله آمده باشند می بایستی بعد از آن فعل جمله بیایید ولی اگر در وسط جمله از آنها استفاده کنیم نگاه فعل جمله را به آخر می برد. درست مانند زبان فارسی که وقتی واژه پرسشی در وسط جمله است فعل به آخر جمله میرود. من نمیدانم ، کی او می آید. اگر دقت کنید فعل جمله یعنی می آید به آخر رفته است..

Wo bist du denn? کجایی پس ؟

Ich sage dir nicht, wo ich bin. بهت نمی گم کجا هستم ؟

Was ist das? این چیه ؟

Das weiß auch nicht. من هم نمیدانم.

Ich weiß es nicht, wie du alt bist? من این را نمیدانم ، تو چند سال داری؟

صرف فعل wissen به معنی دانستن ، آگاه بودن ، خبر داشتن

ich weiß من میدانم

du weißt تو میدانی

er/sie/es weiß او میداند

wir wissen ما میدانیم

ihr wisst شما ها میدانید

sie/Sie wissen آنها میدانند – شما مودبانه میدانید